



بهروز عزیز ما درگذشت

صفحه ۳

بهروز مهرآبادی عزیز درگذشت

گام های عملی در جهت انزوای رژیم

صفحه ۴

اصغر کریمی

حکومت جنایتکار اسلامی نوید را اعدام کرد

صفحه ۵

مینا احدی: نامه سرگشاده خطاب به سازمانها و احزاب ایرانی،
فعالین مدافع حقوق انسان و شخصیت‌های علیه اعدام

صفحه ۵

اعدام نوید افکاری!

صفحه ۲

کاظم نیکخواه

منصور حکمت: مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

صفحه ۶

کارزارهای مبارزاتی علیه کار قرار دادی و پیمانی

صفحه ۷

شهلا دانشفر

ویژه درگذشت بهروز مهرآبادی، یادنامه ها، پیامها

صفحه ۱۱

در مورد طرح "پلیس و امنیت محله محور"

صفحه ۱۴

انقلاب زنانه برگزار می کند

سمینار در رابطه با "جنبش علیه آزار و تجاوز جنسی،

صفحه ۱۵

علیه بردگی جنسی و علیه جمهوری اسلامی

اطلاعیه ها

۱- به میدان آمدن بخش های دیگر کارگران پروژه ای
نفت با خواست افزایش دستمزد

صفحه ۱۵

۲- ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و

صفحه ۱۱

چند اعتراض دیگر کارگران

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره 886

جمعه 28 شهریور 1399، 18 سپتامبر 2020

حکومت قاتل مردم ایران باید در سطح جهان منزوی شود!



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

قتل نوید افکاری حکومت اسلامی را بیش از پیش در سطح جهانی رسوا و بی آبرو کرد. برای نوید با پرونده سازی و مستندسازی های مسخره و بی اساس حکم اعدام صادر کردند و علیرغم اعتراضات وسیع در ایران و در سطح جهانی او را کشتند. این جنایت باید پاسخ کوبنده ای بگیرد.

جامعه ایران یاد نوید و نویدها را با گسترش و تقویت کارزار لغو مجازات اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی، و کلا گسترش اعتراضات و اعتصابات علیه حکومت آدمکشان گرامی خواهد داشت. قتل نوید تنها بر نفرت و انزجار عمومی از حکومت اعدام و کشتار افزود و عزم مردم برای بزیر کشیدن آنرا جزم تر کرد. این نبرد را باید به سطح جهان کشاند. باید جهانی طرد و منزوی کرد.

اکنون جمهوری اسلامی بیش از هر زمان بعنوان یک حکومت جنایتکار تحت فشار رسانه ها و افکار عمومی مردم

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

حکومت قاتل مردم ایران باید در...

جنایت جمهوری اسلامی شدیداً واکنش نشان دهد. بسیاری از سلبرتی‌ها و چهره های ورزشی و هنری در ایران و در سراسر جهان نیز اعدام نوید افکاری را محکوم کرده اند. هم چنین دولت‌های آلمان و فرانسه سفر از پیش برنامه ریزی شده محمد جواد ظریف به این کشورها را لغو کردند، و اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه ای اعدام نوید افکاری را به شدت محکوم کرد.

نباید اجازه داد این موج فروبندیشد. نباید اجازه داد این محکوم کردنها در سطح اعلام موضع باقی بماند و دولت‌ها به سیاست‌های مماشات جوانه خود با جمهوری اسلامی ادامه بدهند. نباید اجازه داد حکومت اسلامی رقابتهای ورزشی بین المللی و در فستیوالها و جشنواره های سینمایی و بین المللی حضور بهم برساند.

کشتار وحشیانه مردم در خیزش آبان سال گذشته و بدنبال آن شلیک عامدانه به هوایمای مسافری تشت رسوائی جمهوری اسلامی را از بام جهان بزیر افکند و اکنون اعدام جوانان معترض و کل بازداشتها و شکنجه ها و جنایاتی که بخشی از آن در گزارش اخیر سازمان عفو بین الملل مستند و افشا شده است، یکبار دیگر توجه جهانیان را به فجایعی که در

ایران جریان دارد جلب کرده است. اکنون بر متن این شرایط و در آستانه سالگرد خیزش آبان ماه باید با صدای بلند اعلام کرد: جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم ایران است، آنرا برسمیت نشناسید!

ما همواره خواستار انزوا و بایکوت سیاسی دیپلماتیک جمهوری اسلامی در سطح جهانی بوده ایم. امروز زمان تحقق این امر فرا رسیده است. ما از هر دولت و سازمان و نهاد سیاسی و ورزشی و هنری که ادعای دفاع از حقوق بشر دارد می‌خواهیم که روابط خود را با جمهوری اسلامی قطع کند و خواهان محاکمه سران و مقامات این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت شود. همانطور که حکومت آپارتاید



ایران در سطح جهان مبارزه میکند و همه نیروهای اپوزیسیون را به مبارزه در این راه فرا میخواند.*

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۵ شهریور ۱۳۹۹
۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

نژادی در آفریقای جنوبی از جانب دولتها و نهادهای بین المللی تحریم شد حکومت آپارتاید جنسی در ایران نیز میتواند و باید با تحریم بین المللی روبرو بشود. حزب کمونیست کارگری فعالانه و با همه امکانات خود برای بایکوت سیاسی - ورزشی - هنری حکومت قاتل مردم

اعدام نوید افکاری!

کاظم نیکخواه



اعدام این جوان زخمی به جا گذاشته که تنها با سرنگونی حکومت جنیان التیام می یابد. هرچه از این جنایت تکان دهنده میگردد خباثت و توطئه گری و بیرحمی و توحش پشت آن روشن تر میشود و قلب انسان بیشتر و بیشتر بدرد می آید. یک جوان ورزشکار ۲۷ ساله را با توطئه و شکنجه و دسیسه سر به نیست کردند تا از مردم سرنگونی طلب انتقام بگیرند. اتهام قتل را به او چسباندند، امکان تماس با خانواده اش را به او ندادند، حتی اجرای حکم را تا لحظه

آخر به او و وکیلش اعلام نکردند و او شب قبل منتظر بود که به تهران منتقل شود و شکایتش برای شکنجه بررسی شود. وکیل و یکی دیگر از بردارانش در راه تماس با خانواده مقتول بودند تا از آنها رضایت بگیرند و این قانون لعنتی قصاص جمهوری اسلامی را به کمک بگیرند که شنیدند که نوید متأسفانه اعدام شده است. میشود تصور کرد که چقدر خشم در قلب خانواده این جوان در قلب دوستان و دوستاناران این جوان علیه قاتلینش موج میزند! خشم و انزجار و نفرتی

که انتها ندارد. نه فقط دوستان و خانواده، بلکه میلیونها نفر از مردم در ایران خشم و نفرتشان علیه حکومت چندین برابر شد.

جمهوری اسلامی تصور میکند یا تصور میکرد که با اعدام یکی از معترضین مردم را مرعوب خواهد کرد. اما فضای خشم و نفرت و انزجاری که در جامعه گر گرفت و فوران کرد، بدون تردید چندین برابر بیش از قبل از این جنایت است. دولتها، ورزشکاران، هنرمندان و شخصیت‌های بسیاری در سطح جهان نیز علیه حکومت اسلامی به حرکت در آمده اند. حکومت اسلامی از این خشم میلیونی جان کثیفش را سالم بدر نخواهد برد.

میتوانیم کاری کنیم که حکومت اسلامی مثل حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی قبل از انحلالش، در دنیا بایکوت دیپلماتیک و هنری و ورزشی شود و منزوی تر از قبل زیر

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC
REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

فشار قرار گیرد. این را دنبال خواهیم کرد.

ما مردم تردیدی نداریم که این خشم و انزجار عمومی به عصبانی عمومی تبدیل خواهد شد. و فوران این عصبان یا انقلاب مردم به جان آمده علیه حکومت منفور دور نیست. عصبان علیه حاکمیت ستم و چپاول و تحجر و جنایت! عصبان علیه یک مشت اشغالگر که با انسانیت و با مردم تماماً بیگانه اند و دشمن و قاتل مردمند! عصبان علیه دزدان میلیاردر. عصبان علیه توحش از گور برخاسته و ضد انسانی

اسلامی حاکم!
نوید افکاری در جوانی طعمه گرگان حاکم شد و خانواده اش متأسفانه داغدار شدند. اما صدای او و هزاران نفر از قربانیان حکومت اسلامی به رودی خروشان تبدیل خواهد شد و بنیان این ستمگری را برخواهد افکند. مردم این کشور سزاوار مجاله شدن در زیر چنگال چنین خونخوارانی نیستند. تک تک مردم سزاوار زندگی انسانی و شاد و مرفه و امن هستند.*

زنده باد انقلاب انسانی!
برای جامعه ای انسانی!

بهروز مهرآبادی عزیز درگذشت



به اطلاع میرسانیم که مهرآبادی عضو کمیته مرکزی رفیق عزیزمان بهروز بهروز حزب کمونیست کارگری پس

از حدود سه سال جدال با سرطان امروز ۱۶ سپتامبر در شهر گوتنبرگ سوئد درگذشت. درگذشت بهروز را صمیمانه به اعضای خانواده اش، دوستانش و به کلیه اعضا و دوستداران حزب تسلیت میگوییم. بهروز از فعالین سیاسی قدیمی است که از زمان حکومت پهلوی بلاوقفه در حال مبارزه و جدال با ستمگری و بی عدالتی های اجتماعی بوده است. او از کادریهای قدیمی و با سابقه و با تجربه حزب بود و چند دهه

فعال آن بود را ببیند. مرگ بهروز ضایعه ای دردناک برای حزب ما و جنبش رهایی بخش سوسیالیستی است.*

آرمان های انسانی بهروز عزیز همیشه زنده است. یادش را گرامی میداریم.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۳۹۹

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰



میدانم که دارد سعی می کند قیراغ و سرحال حرف بزند. با همان طنز همیشگی اش سؤال پیچ کند و یک طوری ظریف، حالی ام می کند که حالش را نپرسم.

بهروز برای من نه تنها یک رفیق شفیق عزیز که جانمایه رفاقت و سکوی امانت و بردباری در مبارزه ای بی انتهاست. نوشتن و گفتن از او سخت تر است چرا که میدانم حق مطلب را ادا نخواهم کرد. برای من که داشتن رفاقت با او عزمی برای ادامه دادن است.

این کوتاه را نوشتم که بگویم دلم می خواهد بهروز بداند که چقدر دوست داشتنی، باصفا، رفیق و تکیه گاه است. دلم می خواهد یک باره همه این کابوس لعنتی فرو بریزد و او را باز با همان لبخند و شادی و نشاط ببینم. چقدر نوشتن برایم سخت است، انگار سنگ به دستم بسته اند! بهروز جان عزیز ما حالش خوب نیست!

افسوس و صدافسوس خبر سنگین تر از تلخی رسید! بهروز رفت... جاودانه شد.

تعجب داشت که چگونه در بین هزار و یک کار چنین دقیق و موشکافانه روی هر موضوعی زوم می کند و به قول معروف مو از ماست می کشید که نشریه هفتگی معتبری مانند انترناسیونال به موقع، دقیق و به روز با بهترین موضوعات منتشر شود. ناگفته نماند که چندین بار کیسه اش البته به پشت پاراگراف شد. پاراگراف به میداد و چنان دستش پر بود که میتوانستی همیشه سراغش بروی و حتما دست خالی برنگردی. همین دقت عمل یک طوری ضابطه نویسندگی برای نشریه انترناسیونال را در سطح عالی بالاتر می برد. این همه ظرافت را اما چنان با شوخی و خنده و جوک و دست انداختن انجام می داد که انگاری همه چیز طنز است. به قول آدم بده باید ظاهر بشم...

همین حالا هم او وانمود می کند که سرطان لعنتی طنزی بیش نیست. ایکاش این حقیقت داشت و این درد جانکاه چنین عذابش نمی داد. هر وقت که صدایش را در مکالمات تلفنی می شنوم،

بهروز مثل خودش بود و هست.

نکته سنجی، مسئولیت پذیری، امانت داری، دقت و سخاوت طبع و سادگی زندگی و در عین حال رفاقت پرشور بهروز مثل طنزهایش عمیق بود و هست. سخت نبود که بفهمی او چقدر ویژه است.

هر جا که بود و هر مسئولیتی که داشت بلافاصله او را درگیر موضوعی مهم می کرد. دست بردار نبود. به فرجام رساندن کار خصلتی تنیده در وجودش است و همین او را به تکیه گاهی محکم بدل می کند. زمانی که مسئولیت اداره برنامه های رادیویی در شهر گوتنبرگ را داشت، مرا بیشتر به او نزدیک و رفیق تر کرد. به ندرت از برنامه ای راضی بود. اما این نارضایتی را با توانایی دلچسبی چنان مایه طنز می کرد که انگار نه انگار ناراضی است. عین همین حالا که جانش درگیر دردی سخت و جانگاز است. انگار نه انگار که چقدر درد می کشد.

برای مدتی طولانی سردبیری لایق برای نشریه انترناسیونال بود. بهروز در این مسئولیت واقعا می درخشید. برایم جای

بهروز ما جاودانه شد! چقدر زود دیر می شود سیامک بهاری



دیشب برایش نوشتم... برای رفاقتی که ماوای زندگی است. برای مهربانم بهروز جان مهرآبادی مدت درازی است، رفیق سالیان و روزهای پر فراز و نشیب، بهروز جان مهرآبادی عزیز ما، درگیر هیولای سرطان است. از وقتی این عفریت به جانش چنگ انداخت تا کنون، بهروز با همان طنز همیشگی اش به جنگ سرطان رفت. این بار اما این طنز گزنده، هر روز تلخ تر شده است. بهروز ما حالش خوب نیست. یادگار سالهای رفاقت بد جوری گرفتار است. بهروز را در نشریه

همبستگی سالهای ۱۹۹۰ شناختم. با طنز نوشته های دلچسبی که مرا به دنبال خود می کشید. با مهارت و چیرگی، ساده و بی پیرایه به چیزی کوچک گیر می داد و موضوعی بزرگ از درونش بیرون می کشید. آنقدر جذاب می نوشت که بارها میتوانستی بخوانی و بخندی.

بهروز را اولین بار در استکهلم دیدم. با همان طنز و شوخی و مزه اندختن. او چقدر شبیه نوشته های خودش بود. چقدر شبیه خودش بود! خیلی زود رفاقتمان جور شد. رفاقت با بهروز بسیار ساده بود. چیزی نبود که بخواهی در درونش کشف کنی تا بدانی کیست.



کنفرانس های سازمان جهانی کار را نیز بارها به صحنه افشای جنایات حکومت تبدیل کرده ایم. شاهرودی را از آلمان فراری دادیم، منصوری از ترس اقدامات اپوزیسیون از اروپا به رومانی فرار کرد و حمید نوری عضو هیئت اعدام در گوهردشت کرج به یمن تلاش اپوزیسیون از روز ۹ نوامبر سال گذشته یعنی بیش از ده ماه است در زندان سوئد بسر میبرد. در ماههای اخیر دو افسر جنایتکار دولت اسد نیز در آلمان دستگیر و به دادگاه برده شدند. اینها هم سفر به بسیاری کشورها ترسانده است و هم دول غربی را در راه دادن به این عناصر محتاط کرده است. همین هفته ظریف قرار بود به اروپا بیاید اما تحت فشار اعتراضات و افشاگری های وسیعی که علیه اعدام نوید افکاری در سطح بین المللی به راه افتاد از او خواستند سفرش را کنسل کند. سفر ظریف به سوئد در سال گذشته نیز با اعتراض وسیعی مواجه شد و وسیعا در رسانه های سوئد و در سطح بین المللی منعکس شد که برای دولت سوئد هزینه سیاسی داشت و سفر مقامات جمهوری اسلامی به این کشور را لاقبل برای مدتی از دستور خارج کرد. با فرار شاهرودی و منصوری سفرهای معالجاتی و تفریحی مقاماتی که سابقه روشنی از جنایت دارند نیز منتفی شده است. سایر جنایتکاران به حد کافی وحشت کرده اند که بخواهند به کشورهای غربی بیایند. کنفرانس ها و جلسات مقامات جناح دو خردادی در خارج نیز از مقطع کنفرانس برلین شکست خورد. اینها بخشی از روند محدود کردن جمهوری اسلامی در خارج بوده است.

گام های عملی در جهت انزوای رژیم

اصغر کریمی



جمهوری اسلامی باید در سطح جهان منزوی شود. روابط دیپلماتیک با آن قطع شود، سفارتخانه هایش همه جا بسته شود، از مجامع بین المللی و نهادهای مختلف ورزشی و هنری و نمایشگاه های کتاب و فستیوال های سینمایی و غیره بیرون انداخته شود. جمهوری اسلامی باید بعنوان حکومتی تروریست و قاتل مردم ایران شناخته شود، مقاماتش به کشورهای دیگر راه داده نشوند و در صورت حضور آنها در کشورهای دیگر دستگیر و محاکمه شوند. به یک معنی همان رفتاری با این حکومت باید بشود که با حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی شد. این سیاستی است که حزب کمونیست کارگری بطور منسجم دنبال کرده و فعالیت های میدانی پیگیر و موثری را در این راستا در کشورهای مختلف عملی کرده است. برخی دیگر از جریانات اپوزیسیون نیز کم و بیش همین سیاست را دنبال کرده اند. سوال اینجا است که این سیاست با توجه به تجارب و دستاوردهایش چگونه باید ادامه پیدا کند و چگونه میتواند پیشروی کند. انزوای جهانی جمهوری اسلامی یک رکن مبارزه برای سرنگونی آن است. بهر درجه در این جهت پیشروی کنیم به همان درجه جمهوری اسلامی در سطح بین المللی ضعیف تر میشود، فضای

حکومت آفریقا را با تحریم شدیدی مواجه کرده بودند. علیرغم این همانطور که مواردی را برشمردم میتوان آنها را تحت فشار قرار داد تا دست از مماشات با جمهوری اسلامی بردارند و سیاست دیگری اتخاذ کنند. بویژه که فاکتورهای مهمی به نفع سیاست ما عمل میکند. هم جمهوری اسلامی بدلیل جنایاتش بسیار در سطح جهانی منفور و بی آبرو است و هم هر جنایت حکومت بلافاصله در سطح بین المللی منعکس میشود و این دست اپوزیسیون را برای تحت فشار قرار دادن دول غربی باز میکند. لازم به توضیح است که کنگره ملی آفریقا که بعنوان نماینده اپوزیسیون حکومت آفریقای جنوبی شناخته میشد تلاش گسترده ای برای انزوای این حکومت در سطح جهان سازمان داد. دولت های متعددی شروع به حمایت از کنگره ملی آفریقا کردند، حتی امکانات مالی و تسلیحاتی و یا اردوگاه های آموزشی در اختیار آن گذاشتند و رسانه های جهانی فعالیت آنرا مدام پوشش میدادند. تعداد زیادی از دولت های عضو سازمان ملل بدنبال تصویب قطعنامه ای در سال ۱۹۶۲ تحریم حکومت آفریقای جنوبی را اعلام کردند. ادامه در صفحه ۸

اما با اعدام نوید افکاری خواست انزوای جمهوری اسلامی ابعاد وسیعتری در سطح بین المللی پیدا کرد. از جمله بسیاری از چهره های ورزشی و نهادهای ورزشی خواهان تحریم جمهوری اسلامی در مسابقات ورزشی جهانی شدند و این نقطه عطف دیگری در پیشروی سیاست انزوای جمهوری اسلامی است. این روندها هم دستاورد مبارزه مردم و اپوزیسیون بشمار میرود و هم راه فعالیت در این عرصه را روشن تر نشان میدهد. واقعیت این است که دول غربی بسیار سیاست راست و بزدلانه ای دارند. کافی است برخورد آنها به حکومت هایی مانند جمهوری اسلامی را با فضای بین المللی در نیمه دوم قرن بیست و بطو مشخص برخورد دول غربی در مقابل حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی مقایسه کنید. الان در فضایی فعالیت میکنیم که مقامات زن دولت های اروپایی حاضرند روسری بپوشند و برای ملاقات با مقامات آدمکش جمهوری اسلامی به ایران بروند. اما در آن مقطع بالاترین مقامات برخی دولت ها حتی در تظاهرات های توده ای علیه آپارتاید شرکت میکردند و

حکومت جنایتکار اسلامی

نوید را اعدام کرد

امروز شنبه وکیل برادران افکاری خبر داد که متأسفانه نوید افکاری در زندان عادل آباد شیراز اعدام شده است. این خبر تا هم اکنون موجی از خشم علیه حکومت اسلامی را در همه جا برانگیخته است. به خانواده افکاری و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوییم و به همراه آنها نفرت و انزجار شدید خود را علیه حکومت جنایتکار اسلامی اعلام میکنیم.

نوید افکاری و برادرانش وحید و حبیب افکاری در ارتباط با اعتراضات سال ۹۷ دستگیر شدند. اما جمهوری اسلامی قتل یک مأمور امنیتی را نیز به آنها منتسب کرد و با شکنجه و فشار از آنها اعتراف گرفت که نوید با

کمک برادرش وحید این مأمور را به قتل رسانده است. با اعلام حکم اعدام نوید افکاری موجی از اعتراض در ایران و جهان به این حکم شنيع و جنایتکارانه به جریان افتاد. برخی نهادهای بین المللی از جمله کمیته بین المللی ورزشکاران و کمیته بین المللی المپیک نیز تلاش کردند با تهدید اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای ورزشی و کشتی جهانی مانع اعدام نوید افکاری شوند. جمهوری اسلامی بنا به شیوه رسوا و نخ نماي خود، فیلم نفرت انگیز تلویزیونی اعترافات و صحنه سازی قتل را از صدا و سیمای حکومتی منتشر کرد تا فشارها را تخفیف دهد. اما این نمایش

رسوای تلویزیونی اعتراض وسیعتری را دامن زد. سران حکومت بداندند که اعدام نوید نیز هزینه سنگینی برایشان خواهد داشت و پاسخ دندان شکنی خواهد گرفت.

نوید توسط قاتلان اسلامی اعدام شد اما تلاشمان را در داخل کشور و در سطح جهانی گسترده تر خواهیم کرد تا حکومت را بیش از پیش در منگنه قرار دهیم و هزینه هر حکم اعدامی را چنان برای حکومت سنگین کنیم که به راحتی نتوانند جوانان مردم را اعدام کنند. از همه مردم در سراسر کشور و بویژه مردم شیراز می خواهیم به هر شکل ممکن در مقابل این جنایت دست به اعتراض بزنند. از کلیه نهادها و تشکل های مردمی، از کارگران و معلمان و دانشجویان، از نویسندگان و ورزشکاران و از همه مردم آزاده می خواهیم

این جنایت را محکوم کنند و به هر شکل ممکن اعتراض کنند. وقت آن است که دولت های مختلف جهان جمهوری اسلامی را قاطعانه محکوم کنند، دست از مآذات با آن بردارند، آنرا هر چه بیشتر در سطح جهانی بایکوت سیاسی کنند و از مراجع بین المللی و سازمان های ورزشی اخراج کنند.

صدای سرنگونی و اعتصابات کارگران و اعتراضات بخشهای مختلف مردم هر روز گسترده تر و



نوید افکاری

نوید افکاری

فراگیرتر میشود. اعدام امروز نوید افکاری که برای ارباب جامعه و عقب راندن مردم صورت گرفت فراخوانی به همه مردم است که مبارزه برای سرنگونی حکومت منفور اسلامی را هر چه بیشتر گسترش دهیم.*

نابود باد

جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۲ شهریور ۱۳۹۹

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰

بپیوندید و کمک کنید، مبارزات خودمان برای سرنگونی حکومت اسلامی را یک گام بزرگ به جلو ببریم!*

مینا احدی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰

تماس با این کمیته:

maryamnamazie@gmail.com

mail.com

minaahadi26@gmail.com

com

عربستان سعودی و فرانسه و امریکا و پاکستان و همه دنیا این فراخوان را امضا کرده اند، از جمله امضا کنندگان این نامه، ریچارد داوکینز، میثائیل اشمیت سالمون، مریم نمازی، هاریس سلطان، جمیل بن حبیب، اینصاف حیدر، گیتا ساگال و... هستند.

به این حرکت مهم

مینا احدی: نامه سرگشاده خطاب به سازمانها و احزاب ایرانی، فعالین مدافع حقوق انسان و شخصیت های علیه اعدام



روز ۱۵ سپتامبر، فراخوانی با امضا صد و پنجاه شخصیت سرشناس بین المللی و فعالین علیه اعدام با خواست تحریم دیپلماتیک جمهوری اسلامی، بیرون کردن این حکومت از همه نهادهای بین المللی و ورزشی و لغو سفر مقامات حکومتی، همچنین خواست ممنوعیت اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، منتشر شد. ما از همه شما می خواهیم، کمک کنید این

حرکت در ایران و در دنیا، بیش از پیش مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته و واقعا دولتهای غربی را تحت فشار قرار دهیم، روابط دیپلماتیک خود با این حکومت انسانکش را قطع کرده و این حکومت را از همه نهادهای بین المللی اخراج کنند. این یک اتفاق مهم است که باید با همیاری و مشارکت همه ما در قدم اول به یک نتیجه مهم برسند، و آنهم تحت فشار گذاشتن

روز ۱۵ سپتامبر، فراخوانی با امضا صد و پنجاه شخصیت سرشناس بین المللی و فعالین علیه اعدام با خواست تحریم دیپلماتیک جمهوری اسلامی، بیرون کردن این حکومت از همه نهادهای بین المللی و ورزشی و لغو سفر مقامات حکومتی، همچنین خواست ممنوعیت اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، منتشر شد. ما از همه شما می خواهیم، کمک کنید این

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



منصور حکمت: مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است



بحثی عمیق در مورد مجازات اعدام، فلسفه اعدام، جایگاه عدالت در این زمینه، نحوه برخورد به جنایتکاران، سیستم عسبره ای در قوانین قضایی جمهوری اسلامی و ...

مصاحبه نشریه
خاوران با زنده یاد منصور حکمت در سال 2000
انجام گرفته است.

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

منصور حکمت: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائده سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با



مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

منصور حکمت

قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم بیخشندهشان.

قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم بیخشندهشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، دربدر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آفندرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی

مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارعاب میکنند. دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سسکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندانشان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در

جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتیم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکانديناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

خاوران: بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی ادامه در صفحه ۹

زنده باد اعتصابات سراسری کارگران



اعتراضات

پیش بسوی اعتصابات سراسری! پیش بسوی ایجاد شوراها!



کارگران سرها

کارزارهای مبارزاتی علیه کار قرار دادی و پیمانی

شهلا دانشفر



که در آن فتح الله بیات رئیس "اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی" از جمله زیر مجموعه های خانه کارگر و تشکلهای دست ساز حکومتی، از این خبر میدهد که از بیش از ۱۳ میلیون کارگر بیمه شده تامین اجتماعی در کشور، حدود ۱۲ میلیون آنها بصورت قراردادی و پیمانی کار میکنند. او در همانجا از این گزارش میدهد که سهم زیادی از قراردادهای موقت با مدت زمان حداکثر ۳ ماهه و ۶ ماهه هستند و تعداد این قراردادها در حال افزایش اند. این معضل حتی دامنگیر پرستاران و معلمان نیز شده است و بخشی از آنها هم اکنون بصورت پیمانی و یا قرارداد موقت کار میکنند.

در همین راستا ارقام مختلفی از شمار کارگران قراردادی موقت و پیمانی در صنعت نفت گزارش میشود. کارگران شاغل در نفت از اینکه هفتاد درصد آنان قراردادهایشان غیر رسمی و موقتی است سخن میگویند.

جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدنش با شقه شقه کردن صنعت نفت و صنایع وابسته به آن چون پتروشیمی ها و مجتمعهای بزرگی نظیر ایران خودرو و ذوب آهن و دیگر بخشهای کارگری و سپردن هر تکه از ادامه در صفحه ۸

در مناطق و ستادها (تبدیل وضعیت و حذف شرکت های پیمانکاری حجمی و شرکتی)، و ممانعت از استخدام کارگر جدید به صورت پیمانکاری در مجموعه شهرداری و تصویب لایحه استخدامی شهرداری ها تاکید کرده اند. خواست اصلی آنان جمع شدن بساط دلان مفتخور پیمانکار از محیط های کارشان است. این کارزار از هجدهم شهریور آغاز شده و جمع آوری امضا برای آن تا هجدهم مهر ماه ادامه دارد.

این چنین است که کارزار علیه قراردادهای موقت و پیمانی به یکی از بسترهای مهم مبارزات بخش های وسیعی از کارگران دارد تبدیل میشود و ابعاد سراسری ای بخود میگیرد. در زیر نگاه مختصری می اندازیم بر دامنه و وسعت قراردادهای موقت و پیمانی و جایگاه مبارزات علیه این شکل از استثمار کارگران.

قراردادهای موقت و پیمانی تعرضی سازمانیافته و سیستماتیک بر طبقه کارگر

قراردادهای موقت و پیمانی معضل بخش عظیمی از کارگران در ایران است. بنا بر آمارها بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کاری پیمانی و موقت هستند. از جمله یک آمار مربوط به مرداد ۹۶ است

عبارت دیگر بیش از ۴۰ روز اعتصاب کارگران پروژه ای پیمانی در نفت و پتروشیمی و نیروگاهها نشان بارزی از عصیان کارگران علیه این شکل بارز بردگی مزدی است. بدین ترتیب کوتاه شدن دست پیمانکاران امروز خواست کارگران نفت، کارگران برق، کارگران شهرداریها، پرستاران، معلمان و بخش های مختلفی از کارگران در ایران است که سالهاست با این شکل وحشیانه استثمار میشوند.

نکته مهم اینجاست که یکی از دستاوردهای مهم اعتصاب اخیر کارگران پروژه ای پیمانی در نفت و پتروشیمی ها جلو آمدن بیشتر خواست خلع ید از پیمانکاران، این دلان مفتخور کار در مراکز کارگری و از جمله در خود نفت است. از جمله هم اکنون شاهد سر بلند کردن کارزارهای متعددی در میادین اجتماعی با خواست تبدیل وضعیت قراردادهای و خلع ید از پیمانکاران هستیم. یک نمونه آن کارزار کارگران شهرداریها بر سر همین موضوع است. این کارگران با ارسال طوماری اعتراضی به مجلس اسلامی بر دو خواست تعیین تکلیف وضعیت استخدامی نیروهای پیمانکاری شهرداریها، کارگران شاغل

شد. همانجا دولت عقب نشینی هایی کرد از جمله مصوب شد که کارگران پیمانی مشمول برخی از مزایای کارگران رسمی شوند و در مورد مستقیم شدن قراردادهای کارگران ظرف سه ماه تصمیم گیری شود. بدین ترتیب میتوان گفت که پتروشیمی ماهشهر پیشتر اعتراض علیه قراردادهای موقت و پیمانی این شکل برده وار کاری در محیط های کار بود.

امروز کارگران در سطح جامعه وسیعا علیه این شکل از استثمار یعنی کار پیمانی و موقت دارند به میدان می آیند. از جمله در ماههای اخیر شاهد تجمعات اعتراضی متعددی از سوی معلمان قراردادی و پیمانی، پرستاران شرکتی، کارگران فشار برق قوی، و کارگران شهرداری ها بر سر همین موضوع با خواست تعیین تکلیف استخدامها و دائمی شدن قراردادهایشان بوده ایم. یکی از موضوعات اعتراضی کارگران پیمانی نفت و پتروشیمیها در دور اخیر نیز اعتراض به استخدامهای موقت و پیمانی بود. این کارگران اعتراض خود را با کارزار "نه به قراردادهای موقت" اعلام داشتند و اعتراض آنها نقطه عطفی در این عرصه از مبارزه بود. به

اعتراض کارگران به قراردادهای موقت و پیمانی و شرایط نابرابر میان کار پیمانی و رسمی در واقع تعرضی از جانب کارگران برای پاره کردن یک شیوه معمول تحمیل بردگی به کارگران است. اینکه کارگر بعنوان موقت مدتهای مدید به کارهای غیر موقت به کار گرفته میشود یک قلدری و دزدی آشکار از حق و حقوق کارگران است. کار پیمانی نیز به معنای اینست که مدام یک واسطه میان کارگر و صاحب کار وجود دارد که بخش اعظم دستمزد کارگران را بالا میکشد.

اعتراض علیه قراردادهای موقت کاری و پیمانی هر روز بیشتر به موضوع اعتراضات بخش های مختلف کارگری تبدیل میشود. کارگران نفت و بخشهای مختلف آن بارها در سالهای اخیر علیه کار پیمانی و قراردادهای موقت دست به اعتراض زده اند. از جمله ۹ سال قبل در فروردین ماه ۹۰ بود که چندین هزار کارگر از ۹ مجتمع پتروشیمی در ماهشهر با خواست خلع ید از پیمانکاران و افزایش فوری حقوقهایشان به میدان آمدند، و عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کردند. بعد نیز دامنه این اعتراض به پتروشیمی های دیگر کشیده

از صفحه ۴

گام های عملی در جهت انزوای ...

و فشارهای سیاسی دیپلماتیک علیه آنرا شروع کردند. فضای دانشگاه های غربی در آن زمان بسیار چپ بود و بسیاری از دانشگاهها تحت فشار چنین فضایی مراودات دانشگاهی با دانشگاه های آن کشور را تحریم کردند. فیفا در سال ۱۹۶۱ تحریم را شروع کرد و المپیک در سال ۱۹۷۰ پس از آنکه ۵۰ کشور آنرا بدلیل حضور آفریقای جنوبی تهدید به تحریم کردند این کشور را از حضور در المپیک محروم کرد. این تحریم ها نقش مهمی در پیشروی کنگره ملی آفریقا در درون کشور و به رسمیت شناخته شدن آن در سطح بین المللی داشت و همراه با فعالیت سیاسی و همچنین نظامی گسترده در آفریقای جنوبی سرانجام بساط آپارتاید برچیده شد. تجربه آفریقای جنوبی و تجارب اپوزیسیون جمهوری

سرکوب) را نیز افشا کرد. هرچند این سیاست در میان مردم ایران کاملا شکست خورده است و در افکار عمومی بین المللی نیز راه به جایی نبرده و نخواهد برد. اما تحریم سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی هر روز بیشتر جای خود را در ایران و در سطح بین المللی باز میکند. این سیاست را باید در میان نهادهای، فعالین سیاسی و جنبش های سیاسی مختلف در ایران و همینطور در سطح بین المللی به یک گفتمان عمومی تبدیل کرد بطوری که این خواست از جانب شخصیت ها و نهادهای و احزاب سیاسی هرچه بیشتری در ایران و در سطح بین المللی خطاب به دولت ها و نهادهای بین المللی مطرح شود. لازم است نهادهای ورزشی، فرهنگی، دانشگاهی و نمایشگاه های کتاب و فستیوال ها را برای بایکوت جمهوری اسلامی تحت فشار بیشتری قرار داد. در مقابل حضور مقامات جمهوری

اسلامی در کشورهای دیگر با تمام قوا اعتراض کرد و آنها را فراری داد و هزینه هر حضوری را برای دولت های میزبان سنگین کرد. جنایتکارانی که در کشورهای دیگر لانه کرده اند را شناسایی کرد و تلاش کرد به دادگاه کشانده شوند. خواست محاکمه سران جمهوری اسلامی را با افشای نقش آنها در ترور و اعدام و سرکوب مردم بطور همه جانبه در سطح جهان مطرح کرد. فعالیت هایی مانند ایران تریبونال و یا پتیشن های مختلف شبیه پتیشنی که هم اکنون توسط ۱۵۰ چهره شناخته شده ایرانی و بین المللی برای بایکوت جمهوری اسلامی از جمله تحریم ورزشی در جریان است، سازمان داد. با احزاب سیاسی و پارلمان ها و دولت های مختلف ملاقات کرد و به مناسبت های مختلف از جمله اعدام ها و سرکوب های هرروزه حکومت از آنها خواست جمهوری اسلامی را

محکوم کنند. با این فعالیت ها باید فضای بین المللی را هرچه بیشتر و بصورت سیستماتیک علیه جمهوری اسلامی فعال نگه داشت و مانع مداخلات دول غربی با جمهوری اسلامی شد. تا جایی که به حزب کمونیست کارگری مربوط میشود این سیاست شناخته شده حزب ما و یک عرصه دائمی، مهم و موفق فعالیت ما بوده است و شرایط کنونی زمینه را برای گسترش فعالیت های ما فراهم کرده است. امیدوارم سایر احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز فعالانه سیاست تحریم سیاسی جمهوری اسلامی را در دستور بگذارند. این کوچکترین انتظار مردم معترض از نیروهای اپوزیسیون است. *

از صفحه ۷

کارزارهای مبارزاتی علیه کار...

کار به يك پیمانکار، تعرض گسترده ای را به طبقه کارگر شروع کرد. جمهوری اسلامی با این کار ساختار جدیدی به تمامی مراکز کلیدی و مجتمع های بزرگ کارگری داد. بعد ها نیز همین سیاست در بخش های دیگر چون مخابرات، شهرداری ها، آتش نشانیها، برق، حتی در آموزش و پرورش و در وزارت بهداشت و بشکل گسترده در بخش های خدماتی به شیوه ای رایج تبدیل شد. و هم اکنون معلمان و پرستاران زیادی هستند که مدتهاست با قراردادهای موقت و پیمانی به

وحشیانه ترین شکل استخدامهای قراردادی موقت و پیمانی، قراردادهای سفید امضاء است که عملا بخش عظیمی از کارگران را از پوشش همان قانون کار نیز خارج میکند و بردگی بیشتری را بر کرده کارگران تحمیل کرده است. دستمزد این بخش از کارگران بسیار نازل است و چماق اخراج نیز همواره روی سر آنان قرار دارد. در پرتو این سیاست پیمانکاران مفتخور همچون زالو به جان کارگران افتاده و استثمار بی حد و مرزی را در این مراکز به جریان انداخته اند. در این جنگل سرمایه، دست کارفرمایان در کشیدن کار بیشتر از کرده کارگران با

دستمزدی نازل و تحمیل بدترین شرایط کاری به آنان باز گذاشته شده و بسیاری از حق و حقوق آنان سلب میشود. از جمله شاهد آنیم که چند ماه چند ماه مزد توافق شده کارگر پرداخت نمیشود و به هر شکلی که میتوانند از مزایای شغلی او میزنند و پولش را بالا میکشند و این شکل از چپاولگری به امری رایج و معمول در جامعه تبدیل شده است. و نه تنها این بلکه امروز حتی حق بیمه کارگر که بخشی از آن ماهانه از حقوق خود کارگر کسر میشود، بموقع پرداخت نمیشود و در نتیجه کارگران در بسیاری اوقات از برخورداری از همان بیمه درمانی سطح نازل موجود نیز

محروم و برای بازنشستگی شان هم دچار مشکل میشوند. بعلاوه اینکه محیط های کار هر روز نا امن تر و استانداردهای کاری و معیشتی هر روز پایین تر آمده است. نمونه هایش وضع اسفناک کمپ ها، خوابگاهها، دستشویی ها و حمام ها و آلودگی آب آشامیدانی کارگران است که در همه جا یک معضل است. جمهوری اسلامی با اتخاذ این سیاست و سپردن محیطهای کار به عرصه قلدری دلان کار عملا بر پای بخش عظیمی از کارگران، آنهم در مراکز بزرگ و کلیدی کارگری زنجیر بسته است. به عبارت روشنتر قراردادهای موقت و پیمانی تعرضی سازمان یافته و ادامه در صفحه ۱۰

از صفحه ۶

منصور حکمت: مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل...

متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو بشود. باید بجایی برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیانه بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید

به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط

است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و

میشود. سازمانیابی وسیع همه کارگران پیمانی نفت حول این خواست یک گام مهم در پایان دادن به کل بساط بردگی و پادگانی در نفت و مراکز وابسته به آنست. گسترش فضای مبارزات در صنعت نفت بیش از پیش بر سازمانیابی این کارگران در گروههای ویژه خود در مدیای اجتماعی به عنوان بستری برای پیشبرد متحدانه و شورایی مبارزات آنها تاکید

نفت خلع ید از پیمانکاران تحت عنوان کارزار نه به قراردادهای موقت است. بدنبال اعتصاب ۴۰ روز کارگران نفت و اعتراض آنان به قراردادهای پیمانی این کارزار امروز در موقعیت قویتری قرار گرفته است. از جمله کارگران پیمانی شهرداری با همین خواست کمپینی را اعلام کرده اند و زرمه های آن در میان کارگران برق و غیره شنیده

از صفحه ۱۵

به میدان آمدن بخش های دیگر کارگران پروژه ای نفت...

حرکت کردند. در این شرکت ۴ هزار کارگر به کار اشتغال دارند که ۳۷۰۰ نفر آنها رسمی و قراردادی و ۳۰۰ نفرشان روزمزد هستند. بنا بر خبر حدود ده هزار کارگر دیگر کارشان بصورت غیر مستقیم با صنعت حفاری

است که وضعیت بحرانی این شرکت شغل آنها را نیز به خطر انداخته است. در اردیبهشت ماه امسال صد نفر از کارگران اخراج شده و ۴۰۰ نفر دیگر نیز در لیست بیکارسازیها قرار داشتند. یک خواست مهم کارگران

میگذارد.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰**

شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران را در همه جا ایجاد کنیم

کارزارهای مبارزاتی علیه کار...

سیستماتیک به طبقه کارگر در طول حاکمیت رژیم اسلامی برای بیشترین چپاول و غارت زندگی و معیشت کارگران بوده است.

جمهوری اسلامی در پناه قوانین ارتجاعی ضد کارگری و دستگاه سرکوبش تلاش کرده است این بساط جهنمی را به پا کرده و با استقرار حراست و نیروهای سرکوبش بطور مستقیم در مراکز کاری فضای مبارزات کارگران را هر روز بیشتر امنیتی نماید. از جمله در صنعت نفت ۴۰ هزار نیرو به حراست و انتظامات اختصاص یافته و این مراکز را در عمل به یک پادگان تبدیل کرده است. بدین ترتیب کل سیستم حاکم با قوانین کار و دستگاه قضایی و کل دستگاه سرکوبش، در خدمت بر پا نگاهداشتن این بهشت سرمایه داری برای صاحبان سرمایه قرار دارد. و این سیستمی است که تمام بخش های حکومت در برپایی و حفظ آن ذی نفع هستند و دست دارند و رقابت دارودسته های حکومتی بر سر به جیب زدن سهم بیشتری از این خوان یغماست.

بعضا تلاش میشود تا آنچه که امروز بر سر کارگر در ایران

است که در معرض آسیب جدی و تباهی هر روزه قرار دارد.

اعتراض علیه قراردادهای موقت و پیمانی، چالش مستقیم سیستم حاکم

اعتراض کارگران به استخدامهای برده وار موقت و پیمانی و شرایط نابرابر میان کار پیمانی و رسمی، و کارزارهای مبارزاتی بر سر آن در واقع تعرضی برای در هم شکستن کل این ساختار تفرقه افکنانه و برده وار کاری در محیط های کار است. امروز کارگران در سطح جامعه علیه این بردگی هر روز گسترده تر دارند به میدان می آیند.

قراردادهای موقت و پیمانی، یعنی نپرداختن بموقع دستمزد و بالا کشیدن هر روزه حق و حقوق کارگران، یعنی اخراج و بیکاری و بی تأمین و کارگر برای بقای زندگی و معیشتش باید در مقابل همه این تعرضات بایستد و بجنگد. امروز ما شاهد اینیم که وقتی کارگر با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه و یا علیه اخراجها و دیگر اجحافاتی که بر وی روا شده به خیابان می آید فوراً اعتراضش متوجه کل بساط دزدسالار حاکم شده و بسرعت از محدوده یک محیط معین کاری فراتر میرود. در

مقابل سرمایه داران در جهت پاسداری از سیستم مافیایی شان فوراً این مبارزات را امنیتی کرده و تحت همین عنوان برای کارگری که حق و حقوقش را طلب کرده، پرونده قضایی تشکیل میشود و بازداشت و زندانی اش میکنند. مبارزه کارگران برای خواست تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای دائم و کوتاه شدن دست پیمانکاران نیز در همین متن قرار میگیرد. و این مبارزه ایست که هر روز بیشتر به جلو گام برداشته و امروز به یک جنبش قدرتمند و به موضوع دائمی اعتراضات کارگری تبدیل شده است. کارگران با کارزارهای مبارزاتی شان دارند وسیعاً وارد این عرصه از مبارزه میشوند.

در بستر چنین اعتراضاتی و در توازن قوای مبارزاتی ای که در نتیجه مبارزات کارگران و کل جامعه امروز شاهدش هستیم، می بینیم که کارگران علیرغم تکه تکه کردن بخش های کارشان و حضور زالوهای پیمانکار در محیط های کار، به مدد مدیای اجتماعی و گروههای مبارزاتی شان به هم متصل شده و اعتراضات سراسری شان را سازمان میدهند. در متن همین شرایط است که کارگران پروژه ای پیمانی در نفت و صنایع وابسته به آن در بیش از ۵۰ مرکز کاری به پا خاستند و ضمن خواست افزایش فوری دستمزدها و اعلام دیگر مطالباتشان بر خلع ید از پیمانکاران و پایان دادن به قراردادهای موقت کاری تأکید کردند. اکنون نیز همان کارگرانی که با اعتصاب ۴۰ روزه خود موفق به افزایش حقوقشان شده اند، دارند از کوتاه شدن دست این دلان مفتخور کاری از محیط های کار سخن میگویند.

کارزار برای کوتاه شدن دست پیمانکاران بویژه بدنبال اعتصاب کارگران پروژه ای در نفت، اکنون با قدرت بیشتری میتواند در بخشهای دیگر کارگری نیز به جلو برود. کوتاه شدن دست پیمانکاران خواست کارگران نفت، کارگران برق، کارگران شهرداریها، پرستاران، معلمان و بخش های مختلفی از کارگران است که سالهاست با این شکل برده وار وحشیانه استثمار میشوند. وسیعاً باید به این کارزار پیوست. در این هفته کارگران شهرداری در شهرهایی چون لالی، بناب، خوی، دشت آزادگان، کوت عبدالله تجمع اعتراضی داشتند و اعتراضات کارگران شهرداری کوت عبدالله دو هفته است که در جریان است.

این کارزار میتواند یکی از بسترهای مهم اعتصابات سراسری در میان کارگران نفت و مراکز وابسته به آن و دیگر مراکز کارگری باشد. بویژه با توجه به پیشروی های جنبش کارگری و مشخصاً امروز پیشروی های کارگران نفت بدنبال اعتراضات اخیرشان و نقل سنگینی که مبارزات کارگران در فضای سیاسی جامعه دارد، امروز کارگران در بهترین فرصت برای سازمانیابی سراسری توده ای و تحمیل قراردادهای جمعی کاری به دولت و کارفرمایان قرار دارند. باید صف این مبارزه را سازمان داد. حضور فعال در کارزارهای مبارزاتی ای که هم اکنون بر سر این موضوع در مدیای اجتماعی شکل گرفته است و ابتکار به راه انداختن چنین کارزارهایی یک گام مهم در جهت سازماندهی چنین مبارزه ای در سطح سراسری است و باید به تدارکش رفت.*





با کمال تأسف مطلع شدیم که رفیق بهروز مهرآبادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران پس از سه سال جدال با بیماری سرطان روز 16 سپتامبر 2020 در شهر گوتنبرگ سوئد درگذشت.

ایران، متأسفانه رفیق بهروز مهرآبادی، از فعالین قدیمی جنبش چپ و عضو کمیته مرکزی آن حزب، بعد از یک جدال سخت دو-سه ساله با بیماری سرطان، دیروز 16 سپتامبر، در شهر گوتنبرگ سوئد، درگذشت.

ما درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی را صمیمانه به اعضای خانواده اش، به دوستانش، و به حزب کمونیست کارگری ایران تسلیت میگوییم. یاد رفیق بهروز را با گسترش مبارزه انقلابی-سوسیالیستی برای به پیروزی رساندن کارگر و سوسیالیسم در ایران گرامی خواهیم داشت!*

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران
Iransocialist2017@gmail.com

۲۷ شهریور ۱۳۹۹

۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰

پیام تسلیت به مناسب درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی

راه سوسیالیسم و آزادی را دیگر در میان خود نخواهیم داشت.

گرچه جسما رفیق بهروز نستوه از برابری و کمونیسم را از دست داده‌ایم اما یاد و خاطرات و انساندوستی و تلاشهای چندین ساله‌اش برای همیشه یادگار و راهنمای راهمان خواهد ماند و خواهد درخشید.

من نیز به نوبه خود ضایعه الیم از دست دادن رفیق بهروز را به خانواده عزیزشان، به رفیق حمید تقوایی و به همه کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و همه دوستان رفیق بهروز تسلیت میگوییم. یاد عزیزشان برای همیشه جاودان پر رهرو باد.*

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی را به اعضای خانواده و بستگانش و به دوستان و رفقاییش در حزب کمونیست کارگری ایران تسلیت می گوید. یادش گرامی باد.*

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰

پیام تسلیت به مناسبت جان باختن رفیق بهروز مهرآبادی

رفقا رفیق بهروز مهرآبادی از میان ما رفت، به قول بسیاری از دوستان، چهره خندان و بشاش و شوخ طبعی رفیق بهروز کمونیست و مبارز

پیام تسلیت به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی!

۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰
پیام از طرف جمعی از اعضای حزب در داخل ایران درگذشت عزیز بهروز مهرآبادی را تسلیت میگوییم. خبر درگذشت عزیز بهروز مهرآبادی قلب همه ما را به درد آورد. ما جمعی از اعضای حزب در داخل ایران جانباختن این عزیز را به خانواده اش و به همه دوستان و همزمانش صمیمانه تسلیت میگوییم. برآستی یاد این کمونیست رزمنده و برجسته همیشه زنده است.*

یادش گرامی و راهش بردوام باد
۲۷ شهریور ۹۹

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی
طبق اطلاعیه رسمی حزب کمونیست کارگری

با نهایت تأسف درگذشت رفیق بهروز مهرآبادی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران را به این کمیته و به تمام رفقا و دوستانش و اعضا حزب کمونیست کارگری ایران تسلیت می‌گوئیم. بهروز از فعالین کمونیست دیرینه جنبش برابری طلبی و آزادی خواهی بود که چند دهه از عمر خود را صرف مبارزه برای رهایی و رفاه انسان کرد. خود را شریک غم و اندوه شما و خانواده بهروز عزیز میدانیم.

یاد و خاطره مبارزات بهروز عزیز گرامی باد.*
مبارزان کمونیست

این شهر رسانه ای کردند. این رانندگان دولت را مسئول جوابگویی به نیازهای زندگی و معاش خود میدانند و خواستار پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

اعتراضات گسترده کارگران شهرداری و کارزار حذف شرکت‌های پیمانکاری

- روز شنبه ۲۲ شهریور تعدادی از کارگران شهرداری لالی در اعتراض به نپرداختن ۱۲ ماه حقوق خود برای هشتمین روز تجمع کردند.

- روز ۲۳ شهریور جمعی از کارگران شهرداری «بناب» در استان آذربایجان غربی اعتراض خود را به تعویق پرداخت سه ماه مزد و حق بیمه شان رسانه ای کردند.

ادامه در صفحه ۱۳

کارگران به فضای اعتراض در میان کارگران کنتورسازی بیشتر دامن زده است. کارگران خواستار آزادی فوری همکاران بازداشتی، پرداخت همه طلبها و بازگشتشان به کار هستند.

کارگران میراث فرهنگی نیشابور: روز ۲۳ شهریور کارگران شاغل در میراث فرهنگی نیشابور در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق خود مقابل محل کار خود تجمع کردند.

رانندگان اتوبوسرانی یاسوج: رانندگان اتوبوسرانی و حمل و نقل عمومی یاسوج اعتراض خود را به تعویق پرداخت ۷ مه مزد در پی شیوع کرونا و کاهش ۶۰ درصدی فعالیت اتوبوسرانی

و فوری کارگران نیشکر هفت تپه است.

معلمان نهضت سواد آموزی: روز یکشنبه ۲۳ شهریور گروهی از معلمان نهضت سواد آموزی و پیش دبستانی با خواست استخدام رسمی در آموزش و پرورش بار دیگر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

کارگران کنتور سازی: اعتراض کارگران کنتورسازی قزوین بخاطر نامشخص بودن وضعیت کارخانه و عدم دریافت ۲۶ ماه حقوق ادامه دارد. بنا بر خبرها بدنبال تجمع اعتراضی این کارگران در روز ۲۲ شهریور مقابل دادگستری دو نفر از کارگران معترض بازداشت شده اند. این دستگیری و سردواندن

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و چند اعتراض دیگر کارگران

کارگران اخراجی در تمام بخش ها، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه همکار دیگر خود که در جریان اعتراضات سال ۹۷ از کار بیکار شدند پافشاری میکنند. کارگران نیشکر هفت تپه دو ماه مزد طلب داشتند که با ادامه اعتراضات تازه مبلغی معادل حقوق پایه به کارگران داده شده است. بعلاوه علیرغم وعده های داده شده دفترچه های بیمه کارگران تمدید نشده است. پرداخت مطالبات عقب افتاده و تمدید دفترچه ها دو خواست عاجل

نیشکر هفت تپه: طی روزهای ۲۲ و ۲۳ شهریور کارگران غیر نیشکری هفت تپه همچون روزهای قبل در اعتراض به اخراج ها و بازگشتشان به کار مقابل فرمانداری تجمع کردند. بیش از ۹۰ روز است که این کارگران در اعتراض هستند. همچنین اعتصاب کارگران بخش داخلی نیشکر هفت تپه ادامه دارد. این کارگران بر عملی شدن وعده های داده شده از جمله خلع ید از بخش چپاولگر خصوصی از این شرکت، بازگشت به کار

از میان صدها پیام تسلیت و کامنت های فراوانی که برای بهروز و بیاد بهروز منتشر شده تعدادی را ما اینجا منعکس می کنیم.



حمید تقوایی: این عکس را در صفحه سوسن صابری عزیز دیدم. بهروز مهربادی و منصور فرزاد عزیز هر دو را در این تصویر مینبید. یاد عزیزشان همیشه با ما خواهد بود.



مینا احدی

بهروز عزیز، بدرود!

بارها وقتی در یوتیوبی، سخنرانی داشتیم، خانه بهروز رفته ام. محبت و مهربانی و انقلابی گری و تعهد و جدیت در فعالیت سیاسی، بخشی از شاخص ترین خصوصیاتش بود آخرین بار حدود یکسال قبل بود که در کلن، مهمان ما بود و با وجود اینکه همه میدانستیم که او سرطان دارد، خودش چنان رفتار میکرد، که تو گویی همه چیز بر وفق مراد است و این بیماری مشکل جدی نیست. این روحیه را تا روزهای آخر با خود همراه داشت

بهروز از فعالین قدیمی و از کمونیست هایی بود که بر علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی مبارزه کرده و از این فعالیت و فداکاری در راه رسیدن به یک زندگی انسانی و بهتر خوشنود بود بهروز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بود، زندگیش، تجاریش، از خود گذشتگی و فعالیت شبانه روزی اش در راه تحقق آرمانهایش، مثال زدنی و کم نظیر بود

بهروز و بهروزها کادرهای یک جنبش، کادرهای یک شرایط و فعالین کمونیستی هستند که پرچم عدالت و آزادیخواهی را در بدترین شرایط در دست گرفته و آنرا در اهتزاز نگاه داشتند. اینها

بیاد بهروز مهربادی

چراغ راه آینده بوده و هستند و باید به احترام دهه ها فعالیت و کوشش انسان دوستانه و تحول طلبانه این عزیزان، از جا بر خاست و یادشان را گرامی داشت زندگی بهروز و اثرات این زندگی، همواره در یاد و قلب همه ما جاودانه خواهد ماند. بدرود بهروز عزیز، بدرود رفیق گرامی و کوشا!

حمید تقوایی

بیماری لعنتی سرطان بهروز مهربادی عزیز را از ما گرفت. خبر درگذشت او سخت و دردناک بود. بهروز از کادرهای قدیمی و عضو کمیته مرکزی حزب و رفیقی سخت کوش و فعال بود. یاد عزیزش هیچگاه فراموش نخواهد شد. درگذشت بهروز را به خانواده اش، به نزدیکان و دوستانش، و به همه اعضای حزب صمیمانه تسلیت میگویم. یاد عزیزش گرامی باد*

نسان نودینیان

بدرود بهروز عزیز! حدود یک ماه قبل تماس گرفتم. در فیس بوک دیده بودم رامین(جوانی از سنندج) مریضی سرطان و شبیه مریضی او را دارد. پیشنهاد کرد و از من خواست فوری با دوستان و بستگان رامین تماس بگیرم و داروهایی را که بهروز مصرف میکرد است را

برای رامین بفرستیم. گفت امیدوار است داروهای او کمکی باشد برای معالجات فوری رامین.

بدرود بهروز عزیز. آرمانهای انسانی و مبارزه ات تا نابودی حکومت فاشیسم اسلامی و رسیدن به سوسیالیسم ادامه دارد.*

عبدالله اسدی

بهروز مهربادی عزیز هم از دنیا رفت و همه ما را غرق در غم و اندوه کرد باورم نمی شد مرگ تو انقدر برای من سخت و دشوار باشد کاش هیچ وقت خبر مرگ تو را نمی شنیدم متأسفانه در موارد زیادی تا زمانی که زنده هستیم صفا و صمیمت و رفاقتمان تحت تاثیر فضای دیگری قرار می گیرد. بعضی اوقات قدر همدیگر را نمی دانیم و جایگاه و موقعیت همدیگر را درک نمی کنیم وقتی مرگ به سراغمان میاید، آنان که زنده می مانند چقدر متأسف و متأثر می شوند

بالاخره هیچ کدام از ما از دست هر چه فرار کنیم، از مرگ راه نجاتی نداریم و هر کدام به نحوی گرفتار مرگ می شویم و دنیایمان با مرگ پایان پیدا می کند و تنها چیزی که باقی می ماند یاد و خاطره های تلخ و شیرینی است که در رفاقت و دوستی و در مبارزه سیاسی با هم داشته ایم

بهروز در مبارزه سیاسی بسیار جدی و سختگیر بود و گاهی اوقات با پافشاری بیش از حد بر نظرات خود منجر به تنش می شد

من و بهروز در مبارزه سیاسی و سازمانی بخاطر سبک و روش متفاوت در فعالیت حزبی کم تنش نداشته ایم. اما بهروز همزیمی بسیار متعهد، سالم و صمیمی و بسیار جدی و مسئولیت پذیر بود. او در بدترین حالت لبخند می زد و با همزمان و دوستانش شوخی می کرد

کاش من هیچ وقت خبر مرگ بهروز عزیز را نمی شنیدم. بهروز جان با خبر مرگ تو بند دلم کنده شد. تو هنوز زمان زیادی برای زندگی داشتی و مسئولیت های زیادی برای به سرانجام رساندن داشتی. جای خالی ات در میان دوستان و رفاقت، تجربه سالها مبارزه ات واستقامت و پایداری و عزم جزمیت برای انقلاب و برای رهایی بشریت در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران به آسانی پر نمی شود

درگذشت بهروز عزیز را به اعضا خانواده و بستگان و دوستان و رفقای حزبی اش تسلیت میگویم و برای همه صبر و شکیبایی آرزو میکنم یاد عزیزش گرامی باد.*

سعید آرمان

بسیار متأسفم. درگذشت رفیق بهروز را به بستگان و رفقایش صمیمانه تسلیت

میگویم.*

سروناز سینایی

بهروز عزیز با رفتن صد غم و درد مهمان قلبهایمان شد. راحت را ادامه خواهیم داد. در قلبمان همیشه زنده ای.

به همه رفقا و خانواده ای محترم این عزیز از صمیم قلب تسلیت می گویم و برای همگی آرزوی صبر دارم.*

رحمان حسین زاده

یاد عزیزش گرامی باد. عمیقاً متأسفم. به خانواده و بستگانش؛ به دوستان و آشنایان و رفقای حزب کمونیست کارگری صمیمانه تسلیت می گویم.*

سیاوش مدرسی

خیلی حیف، خیلی! داس سرطان لعنتی و خرمن عزیزان! بهروز جان جاییت برای همیشه خالی خواهد ماند! بدرود رفیق*

حسن صالحی

بهروز مهر آبادی ساعاتی پیش از میان ما رفت و با رفتن سنگینی غم بر دلهای ما نشست. چندی پیش به اتفاق فریده آرمان، سوسن صابری و امیرتوکلی به عیادتش رفتیم. آن روزها هنوز حالش بهتر بود ولی درد داشت. وقتی سرطان داری و دیگر پزشکان کاری برایت نمی توانند انجام دهند تازه دردهای جانکاه به سراغ می آیند. آخ که چقدر سخت و مهلک است.

ادامه در صفحه ۱۳

بیاد بهروز مهرآبادی...

بهروز انسان خوش قلبی بود. ناپاکی در وجودش نبود. در فعالیت سیاسی بسیار جدی و مسئول بود. دقیق بود و مو را از ماست بیرون می کشید. من در تشکیلات سوئد با او کار کرده ام. زمانی او دبیر تشکیلات بود و دوره ای من. حرص و جوش زیادی می خورد که باید بدنه عضوی تشکیلات را گسترش بدهیم. به مسائل و اتفاقات سوئد اشراف خوبی داشت و صاحب نظر بود. مدتی هم سردبیری نشریه انترناسیونال را برعهده داشت. قلم خوب و تیزی داشت. من و بهروز دعوا و مرافه کم نداشتیم. ولی من همیشه می دانستم که او در دلش چیزی ناپاکی وجود ندارد. ذاتا انسان مهربان و آرامی بود. در مورد شوخ

طبعی اش سایر رفقا هم نوشته اند. نبود او فقدان بزرگی برای ما کمونیستها و همه دوستانش و جنبش انقلابی طبقه کارگر است. مرگ به او امان نداد تا پیشرویهای هر چه بیشتر جنبشی را ببینید که بخش زیادی از زندگی خود را صرف آن کرده بود. اما آرمانهایش، آرزوهایش و جنگش برای تحقق دنیای بهتر با ماست. شور و شوقش برای پیشروی و تغییر با ماست. تعجیلش برای پیروزی و از دست ندادن فرصت ها با ماست. مرگش بی اندازه مایه تاسف و غم است. کاش می شد بخشی از عمر باقی مانده ام را به او می دادم که بتواند بیشتر زنده بماند.

یاد بهروز مهرآبادی عزیز همیشه در قلب ما زنده است. دردهایت پایان یافت! آرام بخواب رفیق عزیزم.*
مراد شیخی
 به یاد بهروز مهرآبادی همیشه عزیز. رفیق خوبی را از دست دادیم! در سالهای دورتر با بهروز آشنا شدم، و از ورزش گفتیم و گریزی هم زدیم به مسائل دیگر... و بعد از این ارتباط دو مرتبه دیگر بهروز را دیدم. و اما گاهی دیداری هر چند کم و یا کوتاه با بعضی از آدم ها باعث میشود که بعد تر خاطره آشنائی تان بعنوان یک اتفاق خوب در ذهنتان باقی بماند. و برای من بهروز مهرآبادی اینچنین بود. به یاد بهروز، و با عشق و احترام فراوان. همیشه در قلب من هستی رفیق جان.*
محسن ابراهیمی
 چه غم انگیز است از

دست دادن رفیق و همزدم در راه عدالت و آزادی و برابری. یاد عزیزش گرامی باد.*
جمال صابری
 واقعا متاثر و متاسفم. به خانواده و عزیزانش، به مبارزین تلاش برای یک دنیای بهتر و انسانی تسلیت میگویم. یاد همه انسانهای شریف، مبارز و کمونیست گرامی و راهشان پرره رو باد. بدرود رفیق عزیز بهروز مهرآبادی.*
رضا رشیدی
 بهروز مهرآبادی کادر برجسته حزب کمونیست کارگری، انسانی شریف زندگی را بدرود گفت. بهروز یک کمونیست پر تحرک و خوش فکر و کار بلد بود. بیش از چهار دهه عمر عزیزش در مبارزه ای کمونیستی و بی امان و بی تخفیف با جمهوری چهل و جنایت جمهوری اسلامی

گذشت. فقدان بهروز عزیز برایمان سخت است.*
کیوان جاوید
 بهروز عزیز ما درگذشت. یاد عزیزش برای همیشه با ما خواهد بود. برای راه اندازی استودیوی کانال جدید در یوتیوبی بودم. بهروز عزیز خانه بسیار زیباییش را در اختیار من گذاشته بود تا بتوانم بعد از کارهای روزانه راحت باشم و استراحت کنم. مرسی رفیق.*
میلاد رابعی
 به یاد رفیق بهروز مهرآبادی. رفیقی ساکت و صبور و صمیمی که در تلاش مداوم برای تأمین معاش هرگز در زندگی روزمره غرق نشد و همواره در صف اول مبارزه برای سوسیالیسم و علیه جمهوری اسلامی پیشگام بود. یادش گرامی.*

بیاد بهروز مهرآبادی عزیز کاظم نیکخواه

مرگ هر انسان خوب همیشه غم انگیز است. بویژه اگر این انسان کسی باشد که او را از نزدیک میشناسی از دست رفتنش بسیار دردناک است. بهروز مهرآبادی را من از سالها پیش از روابط حزبی میشناختم. او رفیقی بسیار متعهد، عمیق، جدی و در عین حال شوخ طبع بود. همیشه در پاسخ به هر مساله

ای جدی یک جواب طنز در آستین داشت که به تو یادآور میشد که کمی لبخند بزنی. چند سالی با او در نشریه انترناسیونال با هم همکاری بودیم. من سردبیر بودم و او یک ستون ثابت در نشریه داشت. همیشه به موقع نوشته هایش را میرساند و خیال من راحت بود که نوشته های او کار زیادی نمیرسد و

معمولا به خال میزند. وقتی که تصمیم گرفتم به دلیل خستگی و مشغله های دیگر از سردبیری انترناسیونال کنار بروم، بعنوان سردبیر بعدی بهروز را به رهبری حزب پیشنهاد کردم. زیرا او هم دست به قلم بود و هم الزامات اوضاع سیاسی را میشناخت و هم از نظر من تیز بین بود و چیزی از زیر دستش در نمیرفت. تجربه یکی دو سال فعالیت او بعنوان سردبیر نشان داد که تشخیص من

درست بوده است. او با جدیت و پیگیری و دقت یک نشریه سیاسی پر ملاتی را طی مدتی نسبتا طولانی منتشر کرد. جدا از کار در انترناسیونال، بهروز کلا رفیقی قابل اتکا و کمونیست و انسان دوست بود. متاسفانه در مدت مرخصی امکان تماس با او را به دلیل محدودیتهای کرونایی پیدا نکردم و فقط چند بار با او تلفنی حرف زدم. از دوستان دور و برش شنیدم که تا آخرین لحظه با روحیه

ای محکم و همان حالت شوخ طبعی به مرخصی بر خورد میکرد و خم به ابرو نیاورده است. بهروز مهرآبادی دیگر در میان ما نیست و جایش واقعا خالیست. باورم نمیشود که از این بیعد در هرگردهمایی و جلسه ای که برگزار میشود جای بهروز عزیز را خالی خواهیم دید. یادش همیشه گرامی و فراموش نشدنی است.*

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ...

- روز ۲۲ شهریور کارگران شهرداری دشت آزادگان در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و حق بیمه دست روز در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

- روز شنبه ۲۲ شهریور اعتصاب کارگران شهرداری کوه عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و وعده های پوچ مسئولان وارد دومین هفته شد. یک هفته است که این کارگران در

اعتصاب به سر میبرند. در همین روز کارگران شاغل و بازنشسته شهرداری آبادان و کارگران واحد پاکبانی و فضای سبز شهرداری خوی نیز در اعتراض به تعویق دو ماه مزد خود تجمع داشتند. اعتراضات در میان کارگران شهرداریها بسیار گسترده و سراسری است. هم اکنون کارزاری در میان کارگران شهرداریها در جریان

است. این کارگران با ارسال طوماری اعتراضی به مجلس اسلامی بر دو خواست تعیین تکلیف وضعیت استخدامی نیروهای پیمانکاری شهرداریها، کارگران شاغل در مناطق و ستادها (تبدیل وضعیت و حذف شرکت های پیمانکاری حجمی و شرکتی)، و ممانعت از استخدام کارگر جدید به صورت پیمانکاری در مجموعه شهرداری و تصویب

لایحه استخدامی شهرداریها تاکید کرده اند. خواست این کارگران جمع شدن بساط دلان مفتخور پیمانکار از محیط های کارشان است. این کارزار از هجدهم شهریور آغاز شده و جمع آوری امضا برای آن تا هجدهم مهر ماه ادامه دارد. کارزار برای کوتاه شدن دست پیمانکاران بویژه بدنبال ادامه در صفحه ۱۴



تظاهرات گسترده خواهد بود و از بهم پیوستن این شورشها میتوانست انقلابی که کابوس آن سران حکومت را رها نمیکند، در بگیرد. بویژه با عکس العمل خشم آلود و میلیونی مردم علیه اعدام نوید افکاری در شیراز و احکام اعدام علیه شماری دیگر از معترضان، این فضای خشم و اعتراض، و همچنین وحشت حکومت صد چندان شده است. این کنه و جوهر و هدف رو کردن طرح کذایی امنیت محله محور و پلیس محله محور است.

هذیان گویی سران سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در مورد این طرح گیجی آنها را بخوبی به نمایش میگذارد. میگویند "طرح امنیت محله محور برای سپردن کارها به مردم است!" از "راهبردهای پلیس محله محور و تامین امنیت در پرتو موازین حقوق بشر" و امثال اینها صحبت میکنند! از ریشه کن کردن جرم سخن میگویند. اولین تلاش "حقوق بشری" شان این بوده است که گروههای ضربت محلات را تشکیل دهند!

اینها همه تقلای رسوای حکومتی است که خود را در محاصره خشم مردم و در جنگ با مردم می بیند و تمام مشغله شب و روز دست اندرکارانش چگونگی مقابله با مردم است. هرچه این طرحها بیشتر رونمایی میشود، مردم وحشت دشمن خونی خود را

در مورد طرح "پلیس و امنیت محله محور"

تلاش میکند با این نوع طرحها به اوباش خود روحیه بدهد و برای مقابله با مردم آماده کند و در جامعه فضای رعب ایجاد نماید. اما هر چه بیشتر سرکوب میکند خشم و نفرت مردم گسترده تر و بحران حکومت عمیق تر و همه جانبه تر میشود.

طرح "پلیس و امنیت محله محور" پاسخی به خیزش های توده ای در سراسر کشور و خیزش عظیمی است که خود حکومت انتظارش را میکشد و راهی برای جلوگیری از آن ندارد. حکومت اسلامی در سالهای گذشته نیز چنین طرحهایی را به اجرا گذاشت و مراکز شهرها را میلیتاریزه کرد، مانور ضد شورش به راه انداخت، حتی مانورهایی برای مقابله با شورشهای کارگری به جریان انداخت تا جامعه را ساکت کند. اما جوانان و مردم در محلات متعددی دست به تظاهرات و شعار دادن و تجمعات هزاران نفر زدند و حکومت را آچمز کردند. اکنون در فضایی که جامعه از خشم و نفرت و انزجاری بسیار گسترده تر از قبل میجوشد، جمهوری اسلامی تردیدی ندارد که محلات باز هم شاهد اعتراضات و شورشها و

این روزها در صدا و سیما و دیگر بلندگوهای حکومتی تبلیغات پر سر و صدایی بر سر طرح "امنیت محله محور" به جریان افتاده است. ادعا میکنند که با "امنیت محله محور"، "پلیس محله محور"، و "انتظامات محله محور" میخوانند جلوی جرم و جنایت و قاچاق و امثالهم را بگیرند و جامعه را امن کنند. در صدای و سیمای حکومتی مدام فیلمهایی از دستگیر شدگان روزهای اخیر که بصورتی تحقیر آمیز و توهین آمیز در مکانهایی دور هم جمعشان کرده اند، به نمایش در می آید و تلاش میشود به مردم خاطر جمعی بدهند که این طرح قرار است جامعه را از جرم و جنایت و قاچاق و اعتیاد رها کند. اما واقعیت واضح تر از آنست که مردم نتوانند به کنه و جوهر آن پی ببرند و آن کابوس و وحشت حکومت از شورش و خیزشهای مردمی است. در مورد همین طرح نیز فرماندهان سپاه ابتدا توجیه این طرح را نامنی در شهرها و شرارت های عناصر آمریکایی! اعلام کردند که منظورشان خیزش های میلیونی مردم است. حکومت اسلامی خود را در محاصره مردم خشمگین می بیند و

دستجات مزدورشان آماده کرد و سازمان داد. ایجاد طرحهایی نظیر پلیس محله محور به مردم بیشتر امکان میدهد که همکاران و مزدوران حکومتی را راحت تر شناسایی کنند، در روزهای مناسب آنها را هدف قرار دهند و سلاحهای آنها را مصادره کنند. با این نوع طرحها وحشت عمیق حکومتیان از شورشهای مردمی را باید دید و خود را برای مقابله ای همه جانبه در اشکال مختلف علیه جانین حاکم سازماندهی و آماده نمود. جمهوری اسلامی باید به زباله دان انداخته شود و

آشکارتر می بینند. هرچه اینها بیشتر دهن باز میکنند لرزه مرگ بر پیکر حکومت کثیف خود را بیشتر عیان میکنند. جمهوری اسلامی 40 سال است در رویای ایجاد جامعه ای ساکت و آرام نظیر گورستان آریامهری دست و پا میزند و پشت سر هم طرح و مانور و راهکارهای امنیتی و انتظامی به اجرا میگذارد. اما در دنیای امروز کدام کشوری وجود دارد که همچون ایران تحت حکومت اسلامی پر از مبارزه و اعتصاب و اعتراض و مقابله هرروزه با مزدوران و دست اندرکاران حکومت باشد؟

حزب کمونیست کارگری همه جوانان و مردم را فرا میخواند که خود را برای برپایی انقلابی همه جانبه علیه حکومت جنایتکار و چپاولگر اسلامی و متشکل شدن در سطح شهرها و محلات شهرها آماده کنند و همه جا و در همه محلات فضا را برای سرکوبگران ناامن کنند. باید خود را برای در هم کوبیدن کل دستگاه حکومتی

سران و دست اندرکارانش به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. آن روز دور نیست.*

نابود باد

حکومت اسلامی!

زنده باد انقلاب انسانی

برای جامعه ای انسانی!

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۳۹۹

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۰

کرده و قراردادهای جدیدی را با کارگران بسته اند و حقوقها افزایش یافته و به این دلیل این کارگران به سر کار بازگشته اند، اما هنوز این کارگران نیز کار خود را آغاز نکرده اند و حرفشان اینست ادامه در صفحه ۱۶

بهداشتی در مقابل بیماری مرگبار کرونا، و تاکید بر خواست برخورداری از امکانات درمانی مطابق کارگران شاغل رسمی است. از سوی دیگر در برخی دیگر از شرکت های وابسته به نفت پیمانکاران عقب نشینی هایی

پتروشیمی در ماهشهر، ایلام و عسلویه

بنا به گزارشهای دریافتی اعتصاب کارگران پروژه ای در برخی از شرکت پتروشیمی در ماهشهر، ایلام و عسلویه با خواست افزایش دستمزدها و دیگر مطالباتشان ادامه دارد. یک موضوع اعتراض این کارگران اعتراض به غیر استاندارد بودن خوابگاهها، عدم رعایت پروتکلهای

از صفحه ۱۳

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

و بخش های مختلفی از کارگران است که سالهاست با این شکل برده وار وحشیانه استعمار میشوند. وسیعا باید به این کارزار پیوست.

ادامه اعتصاب در برخی شرکت های

اعتصاب کارگران پروژه ای در نفت، اکنون با قدرت بیشتری میتواند به جلو برود. کوتاه شدن دست پیمانکاران خواست کارگران نفت، کارگران برق، کارگران شهرداریها، پرستاران، معلمان

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

انقلاب زنانه برگزار می کند

سمینار در رابطه با "جنبش علیه آزار و تجاوز جنسی، علیه بردگی جنسی و علیه جمهوری اسلامی"



حاکمیت در تثبیت آن
شاپرک شجری زاده
- فعال حقوق زنان
آزار و تجاوز جنسی
فعالین زن در بازداشتگاه و زندان

نعیمه دوستدار -
روزنامه نگار و فعال حقوق زنان

ضرورت از بین بردن
حاشیه امن متجاوزان
جنسی در محیط‌های
مذهبی

سمینار بصورت پخش
زنده از آدرسهای زیر در
اینستاگرام، توئیتر و
فیسبوک در دسترس
خواهد بود.

اینستاگرام انقلاب زنانه
<http://instagram.com/womens.revolution>

فیسبوک انقلاب زنانه
<https://www.facebook.com/womens.revolution1>

کانال تلگرام انقلاب زنانه
<https://t.me/enghelabezananeh>

توئیتر انقلاب زنانه
<https://twitter.com/enghelabezananeh>

پیامگیر تلگرام
<https://t.me/sjktamas>

واتساپ، تلگرام، سیگنال

انقلاب زنانه برگزار می کند
سمینار علیه آزار و تجاوز جنسی،
علیه بردگی جنسی و علیه جمهوری اسلامی

زمان: یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۹، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰
ساعت: ۱۸:۰۰ اروپای مرکزی، ۲۰:۳۰ بوقت ایران

مهراون حمیدی
همسنگرا و فعال حقوق رنگین کمانی از ایران
تجاوز و خشونت علیه رنگینمانها

امینا ماهر
فیلمساز
شرم و بدن سیاسی، سکوت و سیاست مارکسیستی

شقایق نوروزی
بازیگر و کنشگر مسائل زنان
تجاوز و نقض حاکمیت در تثبیت آن

مینا احدی
فعال حقوق زنان
قوانین و مذهب، مدافع تجاوز

نسرین افضلی
کارشناس ارشد مطالعات زنان
استاندارد دوگانه فعالان جنسی زنان
در دانش به افشای آزارهای جنسی

سمینار بصورت پخش زنده از آدرسهای زیر در دسترس خواهد بود
0046739681438 @sjktamas

0046739681438
enghelabezananeh

فرم عضویت و فعالیت در
انقلاب زنانه

<https://t.me/enghelabezananeh/17983>

ارتباط با ما
پیامگیر تلگرام
sjktamas

واتساپ، تلگرام، سیگنال

زمان: یکشنبه 30 شهریور
1399، 20 سپتامبر 2020
ساعت 18:00 اروپای
مرکزی، 20:30 بوقت ایران
شرکت کنندگان و موضوع
سخنرانی:

هیوا افشاری - فعال
حقوق زنان از ایران
قوانین و قربانیان تجاوز
مهراون حمیدی -
همسنگرا و فعال رنگین
کمانی ها از ایران

تجاوز و خشونت علیه
رنگین کمانی ها
امینا ماهر - فیلمساز
-شرم و بدن سیاسی،
سکوت و سیاست
مازوخیمی
شیرین شمس - از

مسئولین انقلاب زنانه
ریشه های تولید و بازتولید
تجاوز در ایران
شعله پاکروان - مادر
دادخواه ریحانه جباری
رابطه قانون و دستگاه
قضایی با تجاوز جنسی
مینا احدی - فعال
حقوق زنان
قوانین و مذهب، مدافع
تجاوز
نسرین افضلی -
کارشناس ارشد مطالعات زنان
استاندارد دوگانه فعالان جنسی زنان
افشای آزارهای جنسی
شقایق نوروزی - بازیگر و
کنشگر مسائل زنان
فرهنگ تجاوز و نقض

اعتصابات: شماره ۳۶

به میدان آمدن بخش های دیگر کارگران پروژه ای نفت با خواست افزایش دستمزد

اعتصاب و تجمع هر روزه
کارگران حفاری نفت اهواز

در حالیکه کارگران
اعتصابی پایبند پروژه ای
نفت در روز جمعه با تاکید بر
موفقیت ۸۰ درصدی شان
پایان اعتصابشان را اعلام
کردند، بخش های دیگری از
کارگران اعتصابی که پاسخی
نگرفته و افزایش دستمزد
نداشته اند به اعتصاب ادامه
میدهند. از جمله بنا به
خبرهای ارسالی به حزب در
برخی از مراکز نفتی در
ماهشهر، اهواز، ایلام و برخی

نقاط دیگر هنوز نفتگران در
اعتصاب بسر میبرند. در
همین راستاست که روز شنبه
۲۲ شهریور کارگران داربست
بند شرکت گاما به دلیل
افزایش نیافتن حقوقشان وارد
اعتصاب شده اند.
در عین حال علیرغم
موفقیت‌های کارزار کارگران
پیمانی پایبند و اعتصاب ۴۰
روزه آنها، اما دستاوردهایی
نظیر افزایش دستمزدها تنها
شامل بخشی از کارگران

پیمانی شده است و هنوز
بخشهایی از کارگران بویژه آنها
که در اعتصاب نبودند از
حقوقهای پایین برخوردارند.
حتی بخشی از همان کارگران
اعتصابی هنوز پاسخی نگرفته
اند. نکته مهم اینست که
همین موفقیت‌های معینی که
با اعتصاب بیش از ۲۵ هزار
کارگر پروژه ای پایبند نفت
بدست آمده است، توازن قوا را
به نفع همه بخش های
نفتگران و موسسات وابسته به
آن و همه کارگران در سطح
جامعه تغییر داده است. و این
خود زمینه را برای به میدان
آمدن قدرتمند همه بخشهای
کارگران و طرح خواستهای
خود بیش از پیش فراهم
نموده است.

بدنبال اعتصاب ۴۰ روزه
اخیر کارگران پایبند پروژه

خبرهای رسیده به حزب
کارگران شرکت حفاری نفت با
تجمع اعتراضی هر روزه در
مقابل این شرکت بخاطر
تعویق چند ماه مزد و نداشتن
امنیت شغلی در اعتصاب بسر
میبرند.

بر اساس همین خبرها این
شرکت هم اکنون در وضعیتی
بحرانی قرار دارد و کارگران
شاغل در این شرکت در ماه
فقط ۷ روز کار دارند.

اعتراضات قبلی این کارگران
در اردیبهشت ماه بود. صد نفر
از این کارگران در ۱۵
اردیبهشت امسال به
نمایندهای از چند هزار همکار
خود در اعتراض به در پیش
بودن موجی از بیکارسازیها
مقابل ساختمان مرکز شرکت
حفاری تجمع کردند و سپس
بسوی استانداری شهر اهواز
ادامه در صفحه ۹

ای، این امکان و زمینه فراهم
شده است که آن بخش از
کارگران نفت که همچنان با
معضل دستمزدهای زیر خط
فقر روبرویند با خواست
افزایش دستمزد به بالای خط
فقر ده میلیونی به جلو بیایند
و با قدرت اعتصابات خود
تحرك دیگری به جنبش برای
خواست افزایش دستمزدها
بدهند.

از سوی دیگر همانطور که
در اطلاعیه های قبل گزارش
کردیم علاوه بر اعتراضات
کارگران پروژه ای نفت در
بخش های دیگر این صنعت
کارگران با موضوعاتی چون
اخراج ها، بیکارسازیها،
دستمزدهای معوقه، اجرایی
نشدن طرح طبقه بندی
مشاغل، و دیگر اجحافات
روبرویند. از جمله بنا بر

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

کشاورزی و مدیر داخل شرکت را از محل کارشان بیرون کردند. در برابر کارگران معترض جعفرپور یکی از مدیران شرکت قمه خود را بیرون کشید و میخواست به کارگران حمله کند. کارگران معترض در برابر این حرکت وحشیانه آرامش خود را حفظ کردند و مانع درگیری با مدیر قمه کش شدند و با هوشیاری بیرون آمده و مقابل در شرکت جمع شدند. گفتنی است که اعتصاب کارگران در درون شرکت ادامه دارد و کارگران ضمن حضور در کارخانه کار نمیکنند و بر خواستههای خود تاکید دارند. بخش کشاورزی نیز با ادامه کشت تلاش دارد تا کارخانه به طور کامل به تعطیلی کشیده نشود. بحث بر سر تعیین تکلیف مدیریت در درون حکومت بالا گرفته است. بار دیگر دیوان عدالت بر رای خود مبنی بر خلع ید اسد بیگی تاکید کرد. اما تکلیف نهایی این موضوع به جلسه دیوان حل اختلاف میان نهادهای حکومتی موکول شده است. خلع ید از بخش چپاولگر خصوصی و کوتاه کردن دست اسدبیگی و باند مافیایی اش از شرکت خواست اصلی کارگران است. این کارگران خواستار گسیل یک نفر از سوی دولت به شرکت و ادامه این مجتمع زیر نظارت و مشورت خودشان است. بعلاوه این کارگران فقط بخشی از مزد تیرماه را گرفته اند و باقی دستمزد تیرماه و دو ماه دستمزد مرداد و شهریور را طلب دارند. عدم تمدید دفترچه های بیمه آنها در دل بحران کرونا فشاری جدی بر روی آنها است و کارگران خواستار اجرای فوری همه وعده های داده شده و

که بعد از اجرایی شدن وعده های داده شده کار را آغاز خواهند کرد. بدنبال موفقیت هایی که کارگران پیمانی نفت در پیشبرد مطالبات مزدی خود داشته اند، وضعیت نابسامان خوابگاهها و دیگر امکانات زیستی این کارگران موضوع دیگر اعتراض آنهاست. کارگران میگویند برای پایان دادن به این وضعیت باید به قراردادهای پیمانی پایان داد.

اشاره کنیم که بنا به خبری که در مدیای اجتماعی آمده ظاهراً افرادی مشغول این هستند که بنام کارگران زیر لوله های انتقال نفت ایران و عراق آتش روشن کنند و تهدید کنند که اگر خواستههای کارگران عملی نشود لوله ها را منفجر خواهند کرد. روشن است که این نوع اقدامات توسط هر کسی که صورت بگیرد و با هر نیتی که باشد اقدامی غیر مسئولانه است و عملاً باعث تضعیف اعتصاب پرشکوه کارگران نفت و پتروشیمی خواهد شد و باید نسبت به آن هشدار بود. متحقق شدن خواستههای کارگران همانگونه که در عمل مشخص شده در گرو اتحاد و اعتصاب و مبارزه متحدانه کارگران است و نه اقداماتی از این دست.

**ادامه اعتراضات
کارگران نیشکر هفت تپه،
کرونا در پتروشیمی
سبلان، دوازدهمین روز
اعتصاب کارگران
شهرداری لالی**

- روز ۲۶ شهریور کارگران غیر نیشکری هفت تپه بدنبال سه ماه اعتصاب و تجمعات هر روزه مقابل فرمانداری به داخل شرکت هفته تپه رفتند و به نشانه اعتراض مدیر

پرداخت طلبهایشان هستند. بازگشت به کار کارگران اخراجی در تمام بخش های شرکت، بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه کارگر دیگر شرکت که در جریان اعتراضات سال ۹۷ این کارگران اخراج شده اند از جمله دیگر خواستههای کارگران نیشکر هفت تپه است. اعتراضات این کارگران ادامه دارد.

در حالیکه خبرها از ادامه اعتصاب کارگران شرکت گاما در پتروشیمی ماهشهر حکایت میکند و هنوز کارگران در برخی از شرکت های نفتی از جمله در عسلویه و پتروشیمی ماهشهر در اعتراضند، موضوع شیوع بیماری کرونا و خطر ابتلاء به آن به خاطر عدم اجرای پروتکل های بهداشتی در مقابله با این بیماری مرگبار موجب نگرانی کارگران شده و صدای اعتراض آنان را بلند کرده است. از جمله بنا بر خبرهای منتشر شده در پتروشیمی سبلان اکثر کارگران و حتی مسئولین به این بیماری مبتلا شده اند. اما به بهداری دستور داده شده است که اخبار آن منتشر نشود. از سوی دیگر دستور استخدام موقت کارگران جدید به جای کارگران بیمار داده شده است، تا کار پتروشیمی نخواهد. بدون اینکه کوچکترین تمهیداتی برای جلوگیری از ابتلای دیگر

کارگران به این بیماری مهلک انجام گیرد. مدیریت پتروشیمی تنها مشغله اش اینست که پروژه خود را بر اساس قرارداد تا آخر مهرماه بطور کامل تحویل دهد و کاری به مشکلات کارگران و بیماری کرونا ندارد.

- روز ۲۶ شهریور اعتراض کارگران شهرداری لالی به دلیل ۱۲ ماه حقوق پرداخت نشده وارد دوازدهمین روز خود شد. کارگران میگویند تا متحقق شدن وعده های مسئولین و پرداخت حقوقهای معوقه به اعتراض خود ادامه خواهند داد. در همین روز کارگران شهرداری سوسنگرد اعتراض خود را به تعویق پرداخت ۵ ماه مزد رسانه ای کردند. در این هفته کارگران شهرداری در شهرهایی چون لالی، بناب، خوی، دشت آزادگان، کوت عبدالله تجمع

اعتراضی داشتند و اعتراضات کارگران شهرداری کوت عبدالله دو هفته است که در جریان است. تعویق پرداخت دستمزدها، قراردادهای موقت و پیمانی و نداشتن ایمنی شغلی، عدم اجرای پروتکل های بهداشتی در مقابله با بیماری مرگبار کرونا، از جمله موضوعات اعتراضی کارگران شهرداریهاست و کارزار آنها برای لغو کار پیمانی و تعیین تکلیف وضعیت استخدامی آنها ادامه دارد.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ شهریور ۱۳۹۹
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰**

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

**سردبیر: شهاب بهرامی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: مراد شیخی**

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com

**حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran**

